

مشکلات و موانع فراروی حکومت دینی در ارتقای دین‌ورزی

رضیه فرخی^۱

محمد قاسمی^۲

مریم حاجی عبدالباقی^۳

مهریار شبابی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

چکیده

در مسیر ارتقای دین‌ورزی، موانعی پیش‌روی انسان است که گاه همچون سدی، راه رشد او را می‌گیرد و گاهی حرکت آن را کند می‌کند. زمانی این مانع چنان قوی است که او را به پس می‌راند و دین و فرهنگ به کناری نهاده می‌شود. از آنجا که حکومت دینی، افزون بر برآوردن نیازهای مادی مردم، مسئول فراهم آوردن بستر ارتقای دین‌ورزی است، با کارکرد درست و به‌جا می‌تواند پس از شناسایی موانع، آن‌ها را از میان بردارد. دسته نخست، موانع درونی است که در خود مسلمانان آشکار می‌شود؛ و دسته دوم، موانع بیرونی است که بیرون از جوامع اسلامی، فراروی ارتقای دین‌ورزی ایستاده است. برخی از این موانع درونی است مانند وارونه نشان‌دادن اسلام، پیراستن ظواهر اسلام از اخلاق اسلامی در میان مسلمانان، افراط و تفریط‌های بی‌ربط با دین، چندپاره کردن دین؛ و موانع بیرونی مانند الهام‌گرفتن از فرهنگ‌های ضددینی در جوامع اسلامی، تبلیغات ویرانگر ضددینی برای نابودی چهره اسلام، فضای مجازی، اباحیگری، عرفان‌های نوظهور. هدف از این پژوهش، شناخت مشکلات و موانع درونی و بیرونی بر سر راه حکومت دینی است تا با به‌کارگیری راه‌حل‌های شایسته، به‌جا و به‌موقع، بتوان بر آن‌ها چیره شد. روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. ابزار کار این مقاله، نرم‌افزارهای درخور، پایگاه‌ها و کتابخانه‌های الکترونیکی و منابع مکتوب است.

واژه‌های کلیدی: ارتقا دین‌ورزی، موانع دینداری، حکومت دینی، تهاجم فرهنگی

Farokhi75@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛ dr.MohamadGhasemi92@gmail.com

mhajabdolbaghi@gmail.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

shababimehr@gmail.com

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

مقدمه

موانع دین‌ورزی در حکومت دینی را می‌توان از دو سویه بررسی کرد که اگر به آن‌ها پرداخته نشود، پیامدهای ناگوار بسیاری را بر باورهای عامه مردم خواهد داشت. کارکرد درست حکومت می‌تواند در شناسایی و برداشتن این موانع بسیار باارزش باشد. هرچند دین‌ورزی در جامعه مراتبی دارد و همه سختی‌ها و موانع برای همه دینداران یکسان نیست، به هر رو، برخی از موانع می‌تواند دینداری را سست کند و آن‌ها را به تردید اندازد. برای دستیابی دینداری به رشد و بالندگی، افزون بر پایداری و بقا، بهتر است تا با برنامه‌های درست و کارشناسی شده، موانع پیش‌رو را برداشت. بسیاری از این سدها از درون جامعه مسلمانان برآمده است که شناسایی آن‌ها و در پی آن، زدودن این موانع، می‌تواند بستری سالم و به‌دور از هر شبهه و تردیدی برای رشد و بالندگی دینداری مردم فراهم آورد.

باید گفت که کارکرد نادرست حکومت، خود می‌تواند آسیب‌ها و دشواری‌هایی برای توسعه و رشد دینداری مردم پدید آورد و به جای بالندگی، برآیندی وارونه داشته باشد. برای نمونه، اگر دست‌اندرکاران دینی به خودرایی دچار شوند یا مبلغانی با داشته‌های اندک دینی به تبلیغ پردازند، این امر به بی‌رغبتی مردم از دین و سپس تردید در باورهای دینی و ناپایداری آن خواهد انجامید.

روشن است که خود حکومت دینی در پاسداری و ارتقای دین‌ورزی مردم کوشاست، ولی گاهی خواسته یا ناخواسته با موانعی از درون یا بیرون از گستره حکومت دینی روبه‌رو می‌شود. در این مقاله برخی از این موانع تبیین و تشریح خواهد شد. گفتنی است که این مقاله درصدد شناساندن موانع ارتقای دین‌ورزی است که حکومت دینی با آن‌ها روبه‌رو می‌شود، و برداشتن موانع و راهکارهای آن، در مقاله‌ای دیگر بررسی خواهد شد.

امروزه حکومت‌های دینی در برابر هجمه‌های سست‌کننده دین و دین‌ورزی، سختی‌های بسیاری پیش‌رو دارند که اگر با دید کارشناسی با این موانع و دشواری‌ها برخورد نشود، نه فقط دین‌ورزی بهبود نمی‌یابد، بلکه می‌تواند ضددین شده و به دشمنان دین یاری دهد.

در این مقاله با نگاهی گذرا بر موانع مهم پیش‌روی حکومت‌های دینی، آن‌ها را در دو دسته موانع درونی و موانع بیرونی شرح خواهیم داد.

الف) موانع درونی

به موانعی گویند که از درون جامعه مسلمانان ریشه می‌گیرد؛ مانند: وارونه نشان دادن اسلام، کم‌کاری عالمان دینی، کارهای عالم‌نمایان، سهل‌انگاری در عمل، افراط و تفریط‌های بی‌پایه، ازهم‌گسیختن دین، برنامه‌های نادرست اجرایی در جوامع اسلامی، اجبار و زور، ترویج خرافات، معنویت‌زدایی از دین، فراموشی آخرت و...

همه این‌ها، به چگونگی رویکرد به دین، فهم و برداشت از آن و شیوه دینداری در میان مسلمانان وابسته است. این موانع از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌آید؛ زیرا جنبش و پوییش برای برداشتن این موانع، در درون جامعه اسلامی نهفته است. این پویایی باید به این راهکارها بیانجامد: مراحل یافتن موانع، پذیرش و آگاهی بهینه از آن‌ها، یافتن راه‌حل‌های کاربردی برای آن‌ها.

۱. وارونه نشان دادن اسلام

یعنی اسلام را به جامعه چنان معرفی کنند که بی گمان خلاف حقیقت اسلام است. در این زمینه، امام علی (ع) اسلام را به ظرفی تشبیه کرده‌اند که وارونه شده و هرچه داشته، بیرون ریخته شده است. این تشبیه بیان می‌کند که اگر ظرف اسلام وارونه شود، چیزی از اسلام ناب در درون ظرف نمی‌ماند که ناعادلانه هنوز نام اسلام به آن داده می‌شود. پس، باید هشیار بود و چنین اسلامی را سرتاسر از اسلام راستین جدا دانست.

از امام علی (ع) روایت شده است که می‌فرماید:

يَكْفَى الْإِسْلَامَ كَمَا يَكْفَى الْإِنَاءَ. (شريف الرضى، ۱۴۱۴ق، ص ۱۵۰)

و در جایی دیگر می‌فرماید: پوستین اسلام، وارونه پوشیده می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۲۱)

یکی از موانع بزرگ برای ارتقای دین‌ورزی، کسانی‌اند که اسلام را وارونه نشان می‌دهند و فقط به ادعای خودشان مسلمان‌اند؛ زیرا چهره دین را بسیار زشت نشان می‌دهند و آن دسته از کسانی را که در سراسر دنیا از حقیقت دین و اسلام ناب آگاهی ندارند، از روی فطرت، انسانیت را خلاف رفتار آنها می‌بینند و بنابراین، از دین و فرهنگ دینی بیزار می‌شوند. دینداری، هم نظری است و هم عملی؛ یعنی دربردارنده اندیشه، معرفت، باور و ایمان دینی؛ و نیز اقرار، کردار، رفتار و سلوک دینی است. امام رضا (ع) در روایتی فرمودند:

الْإِيمَانُ هُوَ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ. (تحت العقول، ص ۴۲۲)

ایمان، شناخت قلبی، اقرار و اعتراف زبانی و عمل با اعضا و جوارح است.

درونمایه این روایت، در کتب حدیثی معتبر همچون *الکافی* (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۷) و هم‌چنین در حکمت‌های امیرالمؤمنین علی (ع) نیز آمده است. (شريف الرضى، ۱۴۱۴ق، ص ۵۰۸)

اکنون با نگرش به روایات یادشده، چگونه گروهی، کسی را که به شئون اخلاقی پایبند نیست و فقط ظاهری از اسلام را نشان می‌دهد، مؤمن و نمود اسلام می‌دانند و این چنین چهره اسلام را زشت می‌نمایند؛ در حالی که دین، ارزش بسیاری به اخلاق داده و روایات بی‌شمار اخلاقی در اهمیت آن آمده تا جایی که هدف از بعثت پیامبر (ص)، بر پایه مکارم اخلاق است. (بیهقی، ۱۳۴۴، ج ۱۰، ص ۱۹۱)

با این همه، گاه ساده‌انگاری دینداران در رعایت اخلاق و ادب و اجرای دستورهای دین به چشم می‌خورد. کسی که فقط ظاهری دینی دارد ولی در عمل، رفتارهای ناپسند نشان می‌دهد، خود را مؤمن می‌داند و مؤمن دانسته می‌شود. با این همه، مسلمانی که از اخلاق و عمل صالح تهی باشد، شایسته مسلمانی و مؤمن بودن نیست.

موضوع جدایی درونیات و اخلاقیات اسلامی از ظواهر آن، کم‌ارزش نیست و ریشه بسیاری از نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع اسلامی است و اسلام برای گره‌گشایی، دستورهای کافی و وافی داده است. برای نمونه، در زمینه اقتصادی، مفهوم‌هایی مانند انصاف، ارزش درآمد حلال، دست پاک و نیالودن به رشوه و بی‌تفاوت نبودن در برابر دیگران و گذران زندگی آنها و موضوع‌هایی از این دست، جایگاه اخلاقی والا و باارزشی در آیات و روایات اسلامی دارد که

به کارگیری آن‌ها در اقتصاد یک جامعه بسیار نقش آفرین است. جامعه‌ای که در دنیا خود را «اسلامی» می‌شناساند، اگر در زمینه‌های اقتصادی به این شئون اخلاقی پایبند نباشد، چه تصویری از اسلام به نمایش می‌گذارد؟ آیا این تصویر فقط چون اسم و ظاهرش اسلامی است، به فرهنگ ناب اسلامی و فرهنگ دینی شباهتی دارد؟ نه، بلکه خود مانعی است در راه رشد دینداری مردم. این سد در دو بُعد، یکی جهانی، یعنی برداشت‌های کشورهای دیگر از جوامع اسلامی؛ و دوم، بُعد درون جامعه‌ای، یعنی در میان انسان‌های جامعه اسلامی می‌تواند بسیار مخرب باشد. (خوشدل، ۱۳۹۵، ص ۶۵)

۲. افراط و تفریط‌های بیجا در دین

افراط و تفریط‌هایی که گاه در امور دینی دیده می‌شود، در بیزاری مردم از دین نقش برجسته‌ای دارد. گرچه این افراط و تفریط‌ها به ناحق به دین منتسب شده است، ولی پیامدهای زیانبار چنین رفتارهایی دامنگیر اصل دین خواهد شد. روی هم‌رفته می‌توان گفت که افراط و تفریط در فرهنگ ناب دینی، جایگاهی ندارد. خداوند پیروی از کسانی را نهی می‌کند که در کارهای خود افراط می‌کنند. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الدُّنْيَا وَلَا تُطْعَمَنْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (قرآن، ۲۸/۱۸)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند و هرگز به‌خاطر زیورهای دنیا چشمان خود را از آنها برنگیر و از کسانی که قلب‌شان را از یاد خود غافل کردیم اطاعت مکن؛ همان‌ها که از هوای نفس پیروی کردند و کارهایشان افراطی است.

فیض کاشانی ذیل این آیه می‌گوید: «و اتبع هواه»، و کسی که پیرو هوای نفس خویش است، بدیهی است که دل غافل، پیرو هوای نفس است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۴۰)

مقاتل و جبائی گویند: یعنی آن آدم، گرفتار اسراف و زیاده‌روی است. و «فرطاً»، منظور افراط و تجاوزکردن از حدود و اهمال در حق است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۷۱۹)

با نگرش به آنچه در آیه بیان شد، درمی‌یابیم که افراط کردن هیچ جایگاهی در اسلام و فرهنگ دینی ندارد، بلکه خداوند، امت اسلام را امتی متعادل خوانده است:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا (قرآن، ۱۴۳/۲)

همان‌طور (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید.

وقتی به همه امت اسلامی نسبتی داده می‌شود، مراد، فرهنگی است که خداوند برای آنها روا دانسته است؛ یعنی همان فرهنگ دینی، اینکه آیا همه مسلمانان به این روش پایبندند یا نه، گفتار دیگری است که اگر ایشان پایبند نباشند، به مانع رشد دین‌ورزی

مردم می‌رسیم که این مقاله درصدد بیان آن است. ولی فرهنگ ناب دینی - چنان که در آیه آمده - از بُن، فرهنگی میانه‌رو و دور از هر افراط و تفریطی است؛ درست هماهنگ با فطرت آدمی که همیشه خواهان تعادل است و زیبایی و درستی تعادل را درمی‌یابد. بنابراین، چون درونمایه فرهنگ دینی تعادل گراست، جذب‌کننده انسان‌هاست؛ زیرا سرشت آدمی از کارهای افراطی و رفتارهای افراطی گریزان است. یکی از ویژگی‌های بنیادی رفتارهای افراطی، دور کردن افراد از دین و مانع‌بودن برای ارتقای دین‌ورزی است. اگر این رفتارها به دین نسبت داده شوند، گریزان‌شدن مردم از دین را به دنبال خواهد داشت و هرچند نسبت‌دادن رفتار افراطی به دین، پایه و اساسی ندارد، ولی شوربختانه در دل‌های مردم نقش بدی خواهد گذاشت و سپس مانعی برای رشد دین‌ورزی خواهد گردید.

۳. عمل کردن گزینشی به موازین دینی (چندپاره کردن دین)

گاه کسانی خود را متولیان دینی و عالمان به دین بیان می‌کنند، ولی از راه عالم‌شدن به دین، آن را در کارهای بد به کار می‌گیرند و با ازهم‌گسستن آن در ظاهر، عمل خود را به‌مانند دستور دینی می‌نمایانند و چون به آن علم ندارند، آن را ماهرانه برای رسیدن به خواسته‌های دنیایی بازیچه می‌گیرند و از این ناآگاهی مردم عوام بهره‌بدی می‌گیرند. آنان نمی‌دانند که دین، دسته‌ای از راه و روش‌های زندگی است و حکم‌های آن با همه شرایط و ویژه خود آن حکم بیان شده است و از همین رو، همچون حکم دینی پذیرفته شده به شمار می‌آید و ما برای یافتن آن حکم با همه ابعاد آن، به خانواده آیات و روایات در یک موضوع ویژه، برای دانستن نظر دین نیاز داریم. آنها با بیان ماهرانه یک روایت یا یک آیه و در پی آن، بهره‌گیری نابه‌جا از آن - که به زشت‌نشان‌دادن چهره دین می‌انجامد - به‌راستی دین را چندپاره می‌کنند؛ غافل از آنکه اگر آن حکم با همه ابعاد آن اجرا می‌شد، از آن جز زیبایی، چیزی دیگر نمی‌دیدیم.

خداوند نیز چندپاره‌کنندگان قرآن را می‌شناساند و می‌فرماید که آنها به حال خود رها نمی‌شوند و خداوند سوگند یاد می‌کند که اینان باید در سرای جاویدان پاسخگوی اعمال‌شان باشند و این سوگند خداوند، ارزش بسیار موضوع را نشان می‌دهد.

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ * الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ * فَوَرَّكَ لَسَأَلْتَهُمْ أَجْمَعِينَ * عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ (قرآن، ۹۰/۱۵ - ۹۳)

(ما بر آنها عذابی می‌فرستیم) همان‌گونه که بر تجزیه‌گران (آیات الهی) فرستادیم؛ همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند و آنچه را بر خلاف هوس‌هایشان بود رها کردند) به پروردگارت سوگند، (در قیامت) از همه آنها خواهیم پرسید از آنچه عمل می‌کردند.

در تفسیر البرهان آمده است که از پیامبر (ص) درباره این آیات پرسیدند و ایشان فرمودند: «یعنی به برخی از آیات ایمان داشته باشند و برخی را رها کنند.» (بحرانی، ۱۳۷۴، مقدمه ج ۱، ص ۹)

بیشتر مردم، پیرو هوا و هوس نفسانی خویش اند و اگر حق و حقیقت را با هوا و هوس خود ناسازگار ببینند، دستورهای دینی را چندپاره کرده، به آن بخشی عمل می کنند که به امیال آنها زبانی نمی رساند و بقیه را رها می کنند. این رفتار با دین، مایه رشدنایافتگی و رکود دین ورزی در جامعه خواهد شد.

۴. اجبار و زور در امور دینی

دین، حقیقتی معنوی و گوهری روحانی است که با جان و دل آدمی سروکار دارد. اگر پذیرش قلبی در کار نباشد، کردار و رفتار و سلوک دینی، از هویت راستین تهی است و از ماهیت فطری دین دور خواهد بود. باور دینی و ایمان و عمل به آن باور، چیزی نیست که با اکراه، اجبار، تهدید، زیاده روی و خشونت به دست آید؛ زیرا باور دینی که گنجایش رسیدن به رفتار و فرهنگ دینی را دارد، از جنس دلدادگی و پیوند یافتن دل آدمی با بهترین راه و روش دست یافتن به رستگاری یعنی دین است که همین دین، زیباترین جلوه رحمانیت الهی است و اگر با اکراه، اجبار، تهدید، تطمیع، زیاده روی و خشونت همراه شود، دیگر دلدادگی و پذیرش با همه وجود، و دیگر تسلیم حقیقی و پیروی آگاهانه و گزینشی معنا نخواهد داشت. باید دانست در کارهایی که با دل و جان آدمی سروکار دارد، اکراه و اجبار بی معناست و دین با دل و جان آدمی می پیوندد. از این رو، اکراه و اجبار در دین، مایه آسیب رساندن به دین و دینداری است و سدی بنیادی برای پیشرفت دین ورزی مردم به شمار می آید؛ زیرا برای گسترش فرهنگ دینی، پذیرش قلبی نیاز است. (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۴۶)

افزون بر موضوع پذیرش قلبی که بیان شد، این یک موضوع اثبات شده روان شناسی است که انسانها در برابر اجبار و زور نه فقط پذیرشی ندارند، بلکه همواره به عمل تدافعی دچار می شوند و میل آنها به پذیرش، بسیار کاهش و در برابر آن، به سرباز زدن بسیار افزایش می یابد. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (قرآن، ۱۰/۹۹)

و اگر پروردگار تو می خواست، همه کسانی را که روی زمین اند، همگی به (اجبار) ایمان می آوردند. آیا تو

می خواهی مردم را مجبور کنی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟!)

اگر خداوند می خواست که مردم با اجبار ایمان بیاورند، خودش این کار را می کرد. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۵) ولی ایمان آوردن اجباری و با زور، خواسته و روش خداوند نیست.

۵. خود کامگی

هر گونه خود کامگی، استبداد و استکبار در دین اسلام و فرهنگ اسلامی زشت و ناپسند شمرده می شود. آنچه در فرهنگ اسلامی پسندیده است، رأفت، نرمی و نفوذ پذیری مسلمانان از بهر یکدیگر است. خداوند در قرآن یکی از صفات اقوامی را که خداوند به آنها مهر ورزیده است و آنها نیز خدا را دوست دارند، نرمش و فروتنی در برابر مؤمنان و اقتدار بر کافران می داند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (قرآن، ۵۴/۵)

ای گروهی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دین خود مُرتد شود به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنان خاضع و فروتن و به کافران سرافراز و مقتدرند (به نصرت اسلام) برانگیزد.

ابوالفتح رازی در تفسیر خود در ذیل این آیه می گوید: «مؤمن مرتد نشود به دلیلی که ما را ایمن کرده است، و اما مرتد آن کس شود که او اظهار ایمان کرده باشد به زبان و در دل ندارد. و بر این قاعده آنان را که مظهر ایمان بودند مؤمن خواند، چنان که گفت: "یا ایها الذین آمنوا آمنوا"، و معنی آن که ای آنان که اظهار ایمان دارید به دل ایمان آرید.» (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲)

ابوالفتح رازی، اذله بر مؤمنان را از صفات مؤمنان می داند و آن را چنین معنا می کند: «با مؤمنان ذلول و نرم و سازنده باشد.» و در دنباله آیه، آنچه را برای مؤمنان پسندیده است، چنین بیان می کند: «أذله علی المؤمنین.» و هم چنین درباره این بخش از آیه در تفسیر رازی آمده است: «با مؤمنان ذلول و نرم و سازنده باشد.» (همان، ص ۹).

چنان که در تفسیر بالا نیز بیان شد، شرط نخست در گسترش و بالندگی فرهنگ دینی، مهربانی و برخورد نرم است. برنامه و راهکار درست و پسندیده، دوری از استبداد و خودکامگی است. در روایتی آمده است که یک روز امیرالمؤمنین علی(ع) در حجره بود و غلام او بر در حجره نشسته بود. امیرالمؤمنین(ع) او را آواز داد. او می شنید ولی پاسخی نمی داد. بیرون آمد و گفت: «ای غلام، آواز من را نمی شنیدی؟» او گفت: «بلی.» حضرت گفت: «چرا پاسخ ندادی؟» غلام گفت: «برای آنکه از تو ایمن بودم.» امیرالمؤمنین(ع) خدای را شکر گزارد که مرا چنان کرد که بندگان او، از من ایمن اند. سپس فرمود: «ای غلام، برو که تو را آزاد کردم.» (همان)

خداوند درباره دوری از خودکامگی و برتری جویی می فرماید:

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (قرآن، ۸۳/۲۸)

آن خانه آخرت (بهشت برین) را ویژه کسانی کرده‌ایم که خواهان زورگویی در زمین و تسلط بر بندگان خدا نباشند و نخواهند فسادانگیزی کنند و خدا را نافرمانی نکنند و فرجام نیکو (سرای آخرت) از آن تقوایبندگان است.

در این آیه، به روشنی بیان شده است: کسانی که خواهان فرجامی نیک و به دنبال به دست آوردن نتیجه‌اند، از هرگونه برتری جویی و خودکامگی می پرهیزند. آنها همان پروا پیشگان راستین اند. چنین پرهیزی به ویژه برای قدرتمندان و دولتمندان بایسته است.

۶. کاهش عقلا نیت و فراگیری خرافات در دین‌ورزی

یکی از موانع پیش‌روی حکومت دینی در ارتقای دین‌ورزی، کاهش عقلانیت و فراگیری خرافات است. مراد از خرافه، هر چیزی است که مبنایی از حقیقت ندارد. همواره در روند تاریخی، خرافه و خرافه‌گرایی در میان جوامع بوده است که میزان خرافی‌بودن یک جامعه و گستره موضوع‌های خرافی، به فرهنگ و باورهای آن جامعه بستگی دارد. هرچه مردم بی‌فرهنگ‌تر باشند، فراگیری خرافه بیشتر است. اسلام، خرافات را به‌مانند غل و زنجیرهایی می‌داند که بشر بر دست‌وپای فکر و روان خود بسته است. در قرآن کریم آمده است:

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (قرآن، ۱۵۷/۷)

همانها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی می‌یابند که نزدشان است. آنها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر بازمی‌دارد؛ اشیای پاکیزه را برای آنها حلال می‌شمرد و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردن‌شان) برمی‌دارد. پس، کسانی که به او ایمان آوردند و حمایت و یاری‌اش کردند و از نوری که با او نازل شده است، پیروی کردند، آنان رستگاران‌اند.

در قرآن کریم، واژه اغلال، هم درباره دنیا و هم درباره آخرت آمده است. مراد از غل و زنجیر در دنیا، زنجیر جهل و نادانی، زنجیر انواع تبعیض‌ها و زندگی طبقاتی، زنجیر بت‌پرستی و خرافات و زنجیرهای دیگر است.

پیامبران برانگیخته شدند تا با کمک دانش و از راه دعوت پیگیر و پیوسته به توحید، برادری دینی و اسلامی و برابری حقوق، این زنجیرها را از دست و پای مردم بردارند.

یکی از راهکارها در پیشگیری از فراگیری خرافات در جامعه، به کارگیری خرد و اندیشه است. هرچه نیروی خرد و اندیشه در جامعه کمتر باشد، گرایش به خرافات افزایش می‌یابد. برای به خرافه کشاندن جامعه دینی و بهره‌کشی از آنان، همین روند به دست دشمنان دین نیز برنامه‌ریزی می‌شود.

اسلام با فراخواندن به اندیشیدن، انسان‌ها را از پذیرش بی‌چون‌وچرا و تقلید کورکورانه از دیگران دور می‌دارد و برای هر پدیده‌ای، سبب و علت ویژه آن را می‌نهد تا ما به بخت، اتفاق و خرافاتی مانند این‌ها گرفتار نشویم. خداوند ما را از پیروی هر چیزی بازمی‌دارد که به آن علم نداریم. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (قرآن، ۳۶/۱۷)

از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ چراکه گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند.

هر عقیده‌ای باید بر پایه دلیل باشد. قرآن، آیات خود را با برهان بیان کرده است و از مخالفان نیز دلیل درخواست می‌کند:

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (قرآن، ۱۱۱/۲)

و آنها گفتند: هیچ کس جز یهودیان یا نصارا، هرگز داخل بهشت نخواهد شد. این آرزوی آنهاست. بگو: اگر راست می گویند، دلیل خود را (بر این موضوع) بیاورید.

بر پایه سیره پیامبر (ص) درمی یابیم که حاکم دینی نه فقط باید خود را در برابر جهل و نادانی و خرافه گرایی مردم، پاسخگو بداند، بلکه باید همه توان خود را در برپایی آموزش و پرورش درست و به دور از جهل و نادانی به کار گیرد؛ چراکه گسترش خرافات و گاه نسبت دادن آنها به دین و دیانت و پیامدهای ناگواری آن، آسیب های سختی به دین می زند و آن را امری به دور از عقلانیت نشان می دهد. اگر این خرافات بی پایه به ناحق منتسب شده باشد، چهره دین را زشت نشان می دهد و در پی آن، خرافه گرایی در جامعه، سدی برای رشد و بالندگی دینی مردم خواهد شد.

اگر مردم جامعه اسلامی با اندیشیدن، خرافات را از باورهای راستین جدا کنند، زشتی و نابخردی آن خرافات به دین منتسب نمی شود و به ناحق، دین در جایگاه اتهام نمی ایستد. ولی اگر این باورهای خرافی جدا نشوند، زشتی آنها نمایان شده، در نگاه مردم خردمند ولی ناآگاه نسبت به حقیقت، به نام دین دانسته می شود و آنها نسبت به دین بدبین خواهند شد؛ زیرا این دسته از مردم، چون خردمندند، بهترین سرمایه های سازندگی در راه پیشرفت فرهنگ دینی اند.

مهم ترین بخش از نبرد با خرافات، مبارزه با باورهای نادرست، انحرافی، زشت، پست و رفتارهای نابخردانه و زیانبار برای مردم است. هرچند در دوره نزول قرآن، دسته ای از این روش ها کاربرد داشته، ولی امروزه نیز برای نبرد با غلو ارزشمند است؛ مانند:

- مبارزه با گسترش سحر، کهنات، جن گیری و به هم زدن آرامش محیط خانوادگی از این راه و دعانویسی که خرافه های آن زمان به شمار می آمدند و قرآن با آنها مبارزه می کند (قرآن، ۱۰۲/۲ و ۴۱/۳۴)؛
- ردّ پرستیدن مقدسات و فرارفتن از دامنه توحید (قرآن، ۷۹/۳)؛
- نفی ارباب گرفتن فرشتگان، پیامبران و علمای ابرار به جای خداوند (قرآن، ۸۰/۳)؛
- نفی غلو ورزیدن درباره مقام و جایگاه حضرت عیسی (ع) و نفی تثلیث (قرآن، ۱۷۱/۴)؛
- عبادت فقط برای خداست و تکبر و غرور مردود است (قرآن، ۱۷۲/۴)؛
- نفی الوهیت عیسی (ع) و شریک گرفتن هر کس (قرآن، ۷۲/۵-۷۳)؛
- مبارزه با بت پرستی که نمونه ای از خرافه پرستی است (قرآن، ۱۸۷/۷)؛
- مبارزه با باور یهودیان هم دوره پیامبر اسلام (ص) در به خدایی گرفتن عزیر (قرآن، ۳۰/۹)؛
- نفی پرستش و الوهیت برای انسان ها (قرآن، ۸۱/۱۹)؛
- مبارزه با باور فرزند گرفتن خداوند (قرآن، ۸۱/۱۹-۸۲)؛
- مبارزه با باورهایی که با توحید ناسازگار است (قرآن، ۴۰/۱۷)؛

این آیات فقط نمونه‌ای از رویارویی قرآن با خرافات و باورهای نادرست گذشتگان است که پیامبران بزرگ انجام داده‌اند. آنها با این کار، آرمان بزرگ‌تری را دنبال می‌کنند و معیار به دست می‌دهند.

۷. معنویت‌زدایی از دین

یکی از نشانه‌های معنویت‌زدایی از دین، دنیاخواهی و فراموشی روز رستاخیز است و اینکه همه‌چیز را با سود و زیان دنیایی بسنجند و یاد روز قیامت از زندگی مردم رخت بپندد؛ همان مردمی که دسته‌ای از ایشان، عالمان به دین و گروهی دیگر، دینداراند. اگر چنین شود، نگرش عملی و کارا به زندگی جاودان پس از مرگ در میان مردم فراموش می‌شود و دنیای فانی چنان چشم انسان‌هایی که دلفریب آن شده‌اند را پر می‌کند که از زندگی جاودان خویش غافل شده، همه سود و زیان‌شان را در این دنیا به چرتکه باورشان می‌سپارند. این آفت، انسان‌ها را بسیار خودخواه کرده و انسان خودخواه نیز فقط سود خویش را می‌بیند؛ آن هم منافع زودگذر. بنابراین، اصلاحی به سود همه مردم انجام نمی‌شود و همه چیز به خودخواهی انسان می‌انجامد و سرانجام همه این‌ها سدی می‌شود در برابر مسیر الهی (یصدون عن سبیل الله) و چون برآیند چنین گرایشی در جامعه، همان نابه‌سامانی اجتماعی است و راه دین را زشت نشان می‌دهد (یبغونها عوجاً)، در پایان، مانعی برای پیشرفت فرهنگ دینی به شمار می‌آید. این تعبیر در قرآن – چنان که پیش از این یاد شد – در چندین آیه آمده است؛ مانند:

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (قرآن، ۳/۱۴)

آنان که زندگی دنیا را بر آخرت مقدم و محبوب‌تر دارند و خلق را از راه خدا بازدارند و آن راه راست را (به شک و شبهات) کج کنند، آنان در گمراهی بسیار دورند.

هم‌چنین در سوره اعراف از کسانی که سد راه خدا می‌شوند با تعبیر «یصدون عن سبیل الله» یاد شده است. یا در آیه‌ای دیگر چنین می‌خوانیم:

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ (قرآن، ۴۵/۷)

آنهايي که از راه خدا بازمی‌دارند و آن را کج می‌طلبند (به شبهه راه راست مردم را کج می‌کنند) و آنها به قیامت ایمان ندارند.

پس، با این مفهوم که «یصدون عن سبیل الله» و «یَبْغُونَهَا عِوَجًا»، سدی در راه خدا می‌شوند و راه خدا را زشت و کج و معوج نشان می‌دهند، می‌تواند مانع ارتقای دین‌ورزی و پیشرفت فرهنگ دینی شوند.

در تفسیر اطیب البیان درباره «یصدون عن سبیل الله» آمده است که «صد عن سبیل الله» یعنی سد و مانع شدن در مسیر خدا و جلوگیری دیگران از اینکه به طرف حق حرکت کنند، به طرق مختلفی امکان‌پذیر است یا به وسیله القای شبهه در اذهان آنها در یکی از معتقدات دینی یا به وسیله تهدید در صورتی که به طرق حق روند یا با تطمیع مال و جاه یا مکر و حيله و تقلب یا انکار ضروریات، ابداع بدعت در دین. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۸)

ب) موانع بیرونی

این موانع که بیرون از جامعه اسلامی و به دست نامسلمانان پدید آمده است، در برابر گسترش فرهنگ اسلامی می ایستد؛ مانند گسترش فرهنگ‌های بیگانه و ضد دینی در جوامع اسلامی و تبلیغات بر ضد اسلام و تباه کردن چهره آن.

۱. الگو گرفتن از فرهنگ‌های ضد دینی در جوامع اسلامی

اگر کسی بخواهد در برابر فرهنگ‌های مهاجم و ناسازگار با دین محکم بایستد و به سستی دچار نشود، به پایه‌های استوار فرهنگی نیاز دارد. خداوند در قرآن کریم درباره خانه عنکبوت و دلیل سستی این خانه می‌فرماید:

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (قرآن، ۴۱/۲۹)

مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده، غیر خدا را به دوستی و سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی)

حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند، و اگر بدانند، سست‌ترین بنا خانه عنکبوت است.

زمخشری ذیل این آیه بیان می‌دارد که خداوند آنچه را که به آن اعتماد کردند، به خانه عنکبوت تشبیه می‌کند و به راستی که ضعیف‌ترین خانه‌ها، خانه عنکبوت است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۵۵)

این آیه، از بی‌بنیادی باور انسانی یاد می‌کند که از نظر روحی و اجتماعی سست است. قرآن کریم خانه عنکبوت را مثال می‌زند. عنکبوت می‌پندارد که خانه دارد و خانه‌اش هم در برابر پیشامدها استوار است، بلکه چون هر گوشه خانه خود را بر جایی بنا نهاده، خانه لرزانی دارد. این مثال کسی است که به جای باور راسخ به خدای یگانه، به سرپرستانی دیگر تکیه می‌زند و پایه‌های باور خود را بر جایی سست بنا نهاده است. بنابراین، در جامعه‌ای که این باورهای سست در آن رخنه کرده باشد، سستی بنیان به روشنی نمایان می‌شود. آنگاه مردم آن جامعه در برابر هجوم اندیشه‌های نو و ناسازگار با اسلام، توانایی ایستادگی ندارند و با گذشت زمان، از فرهنگ‌های بیگانه پیروی خواهند کرد و آن را خواهند پذیرفت یا با فراموشی ارزش موضوع، به آسانی پذیرای فرهنگ‌های گوناگون خواهند بود. گفتنی است که مراد، فرهنگ‌هایی است که نه فقط با فرهنگ دینی هم‌خوانی ندارند، بلکه سدی است پیش راه گسترش فرهنگ ناب اسلامی. خداوند در آیه زیر مؤمنان را از اینکه کافران را ولی خود بگیرند، باز می‌دارد:

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً
وَ يُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ إِلَيَّ اللَّهُ الْمَصِيرُ (قرآن، ۲۸/۷)

نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته، از کافران دوست گزینند و هر که چنین کند، رابطه او با خدا مقطوع است؛ مگر برای در حذر بودن از شر آنها (تقیه کنند). و خدا شما را از (عقاب) خود می ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.

درباره معنای واژه «ولی» می توان گفت که دوست متصرف و یاری رسان و کارگزار است، نه دوست عاطفی و قلبی. مفهوم آن نیز جواز ولایتی است که هم تراز با مؤمنان باشد یا مقام آنها را برتر دارد. (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۷۵) این نکته در این آیه نهی شده است.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه درباره چگونگی این ولایت و نقش آن در زندگی اجتماعی و فرهنگی مسلمانان، می نویسد: کلمه اولیا جمع کلمه «ولی» است که از ماده ولایت است و ولایت در اصل به معنای مالکیت تدبیر امر است. ولایت مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر است. یک ولی در امور کسی که تحت سرپرستی اوست، دخالت می کند تا پاسخگوی علاقه او نسبت به خودش باشد و فرد تحت سرپرستی نیز اجازه دخالت را با ولی خودش می دهد تا به محبوب خودش نزدیک تر شود. پس، تصرف محبوب در زندگی محب، هیچ گاه خالی از حب نیست. در نتیجه اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم، خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده ایم. از قید «من دون المومنین» می شود دانست که منظور آیه این است که اگر می خواهی مسلمانی اجتماعی و به اصطلاح نوع دوست باشی، باید حداقل مؤمن و کافر را به اندازه هم دوست بداری، و اما اینکه کافر را دوست بداری، و زمام امور جامعه و زندگی جامعه را به او بسپاری و با مؤمنان هیچ ارتباط و علاقه ای نداشته باشی، این بهترین دلیل است که تو با کفار سنخیت داری و از مؤمنان جدا و بریده ای و این صحیح نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۵۱)

بنا بر آنچه بیان شد، می توان یکی از مصادیق «ولی» را قرارداد کافران و بیگانگان، پذیرا بودن بخشی از فرهنگ های ایشان که با اخلاق اسلامی ناسازگار است و غفلت از به کارگیری آنها در جامعه دانست؛ چنان که زندگی مردم را به آنان بسپاری و فرهنگ های ضداسلامی ایشان را در عوض فرهنگ اسلامی در گستره جامعه رواج دهی. همین فرهنگ های گوناگون، مانعی بزرگ بر سر راه پیشرفت فرهنگ ناب دینی خواهد شد.

فضای مجازی

یکی از ابزارهای رخنه فرهنگ های ضددینی در جوامع اسلامی، کاربرد نادرست از فضای مجازی است. امروزه رسانه فضای مجازی نقش برجسته ای در زندگی انسان ها دارد، چنان که مانند شبکه های ماهواره ای و رسانه های دیگر، هریک به تنهایی، خانواده ها را نشانه گرفته، به گسترش بی بندوباری و ازهم گسیختگی خانواده ها و کمرنگ کردن آموزه های دینی و سستی پیوندهای خانوادگی دامن زده است.

پدیداری اینترنت همراه با ارزش‌های غربی، نارسایی‌هایی را در کشورهای دیگر آشکار نموده است. از آنجا که برخی از نشانه‌های این پدیده با فرهنگ خودی (ارزش‌های اسلامی-ایرانی) ناسازگار است، پس می‌توان گفت که اینترنت می‌تواند آسیب‌های بسیاری را به بار آورد. برای نمونه، کاربرد اینترنت در میان خانواده‌هاست که اگر بهینه نباشد و مهار نشود، به دگرگونی نظام ارزشی در خانواده‌ها می‌انجامد. (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۴)

کاستی یا توانایی کارکرد نهادهای دینی در فضای واقعی، در گرایش جوانان به کاربرد فضای مجازی نقش دارد. گرایش بیشتر جوانان به گروه‌های دینی مجازی، ناتوانی گروه‌ها یا نهادهای دینی واقعی به پاسخگویی شایسته به پرسش‌های مذهبی آنان است. نگرش به تفاوت هنجارهای جامعه‌ای در برابر جامعه دیگر و به کارگیری ابزارهای الکترونیکی مانند فضای مجازی، دادوستد فرهنگی را رونق می‌دهد. در این میان، فرهنگ‌های ناتوان یا صاحبان فرهنگ‌های والا، ولی کم‌تلاش، از فرهنگ مهاجم آسیب خواهند دید. فرهنگ اسلامی نیز در این دادوستد، گرچه فرهنگی باپشتوانه است، اگر مسلمانان در شناخت و شناساندن آن نکوشند، در برابر فرهنگ مهاجم غرب به التقات و دگرگونی دچار خواهد شد.

دیدبانی حکومت بر کارکرد درست این فناوری و تقویت رسانه‌های کشوری و بومی و میدان دادن به جوانان مستعد در این زمینه می‌تواند بستر سودمندی برای رویارویی با پیامدهای زیانبار این فضا باشد.

۲. تبلیغات ویرانگر ضددینی برای تباه کردن چهره اسلام

زیبایی اسلام ناب بر هر ذهن منصف و آگاه به حقیقت اسلام آشکار است. در این میان، تبلیغات نادرست دشمنان اسلام که در دنیای امروز پخش می‌شود، پرده‌ای است برای دیدن حقیقت دین و زیبایی‌های ناب آن. امروزه با گسترش ارتباطات، این امر نیز بسیار گسترش یافته است و با شبهه‌افکنی‌های گوناگون دشمنان اسلام در میان کسانی که از حقیقت اسلام و احکام و شرایط آن آگاهی چندانی ندارند، پیکره دین و فرهنگ دینی، آسیب‌های سختی می‌خورد؛ چنان‌که سدی سترگ در راه گسترش فرهنگ دینی و پذیرش قلبی انسان‌ها می‌شود. کافران و پوشانندگان حقیقت اسلام، عزم خود را در این راه جزم کرده‌اند. بنابراین، اهمیت و بایستگی رویارویی با چنین رویکردهایی، بیش از پیش نمایان است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا (قرآن، ۱۶۷/۴)

آنان که کافر شده (و مردم را) از راه خدا بازداشتند، همانا سخت به گمراهی افتاده و از راه نجات دورند.

در آیاتی همانند، خداوند متعال، کفار را مشتاق سدشدن در راه الهی و مانع گسترش فرهنگ دینی می‌داند. همین مفهوم در سوره نحل، آیه ۸۸ نیز آمده است.

قرشی در تفسیر خود، در ذیل آیه بالا می‌گوید: «علت ضلال بعید بودن آن است که هم خود حق را انکار می‌کنند و هم دیگران را به ضلالت می‌کشند. این آیه حکم کلی را بیان می‌دارد، ولی مصداق آن ظاهراً یهودیان هستند که هم خود انکار می‌کردند و هم دیگران را گمراه می‌نمودند.» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۰۰)

چنان که بیان شد، این آیه حکم کلی را بیان می کند، اینکه کفار و دشمنان اسلام همواره در حال سد کردن راه پیشرفت فرهنگ دینی اند. این روند اکنون نیز دیده می شود، بلکه شتاب بیشتری گرفته است. یکی از تبلیغات گسترده کنونی، اسلام هراسی است که امروزه با نمود گروه های تروریستی مانند داعش — که بویی از اسلام نبرده اند ولی ناعدلانه به آن منتسب شده اند — به اوج خود رسیده است.

اباحیگری

یکی از کارهای ضد دینی و از موانع ارتقای دین ورزی، اباحیگری است که نقش برجسته ای در تباه کردن چهره اسلام دارد و می تواند به باورهای ناب دینی آسیب برساند. اباحیگری یعنی انسان با اینکه مؤمن و خدا باور است، در زمینه عمل به بایسته های دینداری، از خود پابندی نشان ندهد. شوربختانه گاه اباحیگری کار را به جایی می رساند که ریشه همان ایمان سست را می خشکاند. این آسیب آنگاه جدی پنداشته می شود که باور داشته باشیم دست های آشکار و پنهان به خاطر خطری که از نسل فریخته، انقلابی و متدین ما برای منافع خود احساس می کنند، از همه ابزارهایشان برای گسترش اباحیگری بهره می گیرند.

در گسترش این پدیده، افزون بر کارهای آشکار، تبلیغات گسترده و دسیسه های پیوسته بدخواهان جامعه دیندار نیز نقشی برجسته دارد. در بیشتر کشورهای اسلامی، اباحیگری با روش های گوناگون نمایان است. سکولار بودن بیشتر حکومت های اسلامی، تبلیغات ضد دینی یهودیت و مسیحیت، گسترش فسق، فجور، فحشا و... از نشانه های گسترش این پدیده است.

اکنون باید دید که در دنیای امروز و فرهنگ که در کشورهای اسلامی همسایه ایران، مانند ترکیه و امارات متحده عربی یا در کشورهای اروپایی یا آسیایی جنوب شرقی — که ایرانیان آمدوشد می کنند — به چشم می خورد و با گسترش ماهواره ها و وبگاه ها و با بودن برخی از تنگناها و فزونی سفرهای شهروندان به بیرون از کشور و برعکس، آیا می توان این حقیقت را نادیده گرفت که پاسداری از باورها و تحکیم شعائر اسلامی در چارچوب مرزهای یک کشور، کاری است بس دشوار و پیچیده؛ کشوری که از هر سو، مرزهای آن با دادوستد با همه ساکنان زمین در هم نوردیده می شود؟

جهانی شدن، دست کم برای شماری از مردم، به ویژه نسل جوان، ناباوری یا کم باوری به ارزش های دینی را به همراه می آورد که خود از بسترهای مهم اباحیگری است؛ زیرا پیوسته از رهگذر شماری از برنامه های ماهواره ای یا وبگاه ها، به دین و هر گرایش متافیزیکی یا اسلام و ارزش های اسلامی، به سختی یورش آورده می شود. آمارهای وبگاه هایی که بر ضد اسلام، پیامبر اکرم (ص)، قرآن و... کار می کنند، به راستی تکان دهنده است.

چنان که بسیاری از صاحب نظران هشدار داده اند، یکی از پیامدهای ناپسند پدیده جهانی شدن، وادار کردن مردم با الغای رسانه های بیگانه به پذیرش روش ویژه ای از زندگی است. چون اباحیگری بسترهای گوناگونی دارد، بخشی از راهکارهای رویارویی با آن، به دست عالمان دینی، و بخشی نیز به دست دولتمردان دست یافتنی است. اگر نتوان اباحیگری را ریشه کن کرد، بی گمان مهارشدنی است.

عرفان های نوپیدا

یکی دیگر از کارهایی که امروزه به نام معنویت چهره اسلام را تباه کرده است و از موانع ارتقای دین‌ورزی به شمار می‌آید، روندها و آیین‌هایی است که از بیرون مرزها و با نام معنویت به جامعه دینی رخنه کرده و به نام عرفان‌های نوپیدا، مدعی پیام آور شادی و عشق‌اند.

این آیین‌ها جامعه دینی را تهدید می‌کند و آموزه‌های نادرست را با مفاهیم ناب اسلامی درهم می‌آمیزد. شوربختانه گروهی از روشنفکران این اندیشه‌ها را پذیرفته‌اند و با اینکه سرتاسر این آیین‌ها به دست بیگانگان در میان مردم رخنه کرده است، شماری از مردم، به‌ویژه جوانان، از آن استقبال می‌کنند.

یکی از دلایل گرایش به چنین عرفان‌هایی، جایگزینی پاسخ نادرست به نیاز فطری انسان به معنویت است. زمانی که به این نیاز پاسخی درست داده نشود، پدیده‌های دیگری مانند عرفان‌های نوپیدا جای آن را پر می‌کند.

گفتنی است که در این روند، هرچند هواداران این اندیشه‌های دروغین برای بهبود آگاهی دینی خود نکوشیده‌اند، ولی دست‌اندرکاران دینی نیز در جامعه دینی و دولتمردان در این زمینه کوتاهی کرده‌اند. اگر حکومت و کارگزاران آن نتوانند برخوردی درست با چنین تهاجمی داشته باشند، آرام‌آرام آموزه‌های به‌ظاهر معنوی چنین آیین‌هایی، جایگزین آموزه‌های ناب دینی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

نقش حکومت دینی در ارتقای دین‌ورزی مردم، یکی از گفتارهایی است که ارزش بسیاری دارد. در نگرش دینی، حکومت آرمان نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای است که می‌تواند پاسدار و مجری احکام باشد. ولی با اینکه بسترهای عملی برای این هدف فراهم آمده است، با موانعی روبه‌رو می‌شود که گاه این موانع از درون جامعه اسلامی ریشه می‌گیرد و گاهی نیز از بیرون جامعه مسلمانان پیدا می‌شود. هر دو دسته این موانع، مایه پیشرفت یا گاه پسرفت می‌شود. بنابراین، حکومت دینی می‌تواند با شناسایی این موانع، آن را از پیش راه ارتقای دین‌ورزی بردارد.

این پژوهش، دو مانع از موانع بنیادی این تنگنا را بررسی کرده است. هریک از این موانع، شاخه‌های بسیاری دارد که پژوهشگر به آن دست یافته است. این شاخه‌ها در موانع درونی چنین است: وارونه نشان دادن اسلام، بی‌عملی عالمان دینی، چندپاره کردن دین، افراط و تفریط‌های بی‌پایه، اجبار و زور. موانع بیرونی نیز این‌هاست: گسترش فرهنگ‌های بیگانه و ضددینی با ابزار فضای مجازی و تبلیغات ویرانگر برای تباه کردن چهره اسلام - مانند اباحیگری - و پدیداری عرفان‌های نوپیدا که می‌تواند سد راه ارتقای دین‌ورزی شود.

منابع

- قرآن کریم.

۱. بحرانی، ۱۳۷۴، البرهان فی تفسیر القرآن، دار التفسیر، قم.

۲. بیهقی، ۱۳۹۶، تاریخ بیهقی، مهتاب، تهران.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۰۱ق، غرر الحکم و درر الحکم، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، قم.
۴. حرانی، ابن شعبه، ۱۳۹۵، تحف العقول، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، قم.
۵. خوشدل، ۱۳۹۵، بی نا، بی جا.
۶. دلشاد، ۱۳۷۹، رهنزان دین، نشر دریا، تهران.
۷. دین پرور، سید جمال الدین، ۱۳۷۹، نهج البلاغه پاریسی، بنیاد نهج البلاغه، تهران.
۸. رازی، ابوالفتح، ۱۴۰۷ق، روضه الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد.
۹. زمخشری، ۱۴۰۷ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الكتاب عربی، بی جا.
۱۰. زنجانی زاده، ۱۳۸۴، «بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش های خانواده در بین دانش آموزان دبیرستانی ناحیه ۳ مشهد (در سال ۸۲-۸۳)».
۱۱. شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۹۵، مدلی برای مطالعه دین گریزی در ایران، راهبرد فرهنگ، تهران.
۱۲. شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، پیام عدالت، تهران.
۱۳. شکوهی، علی، ۱۳۹۳، عوامل و ریشه های دین گریزی از منظر قرآن و حدیث، مؤسسه بوستان، تهران.
۱۴. طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، پرتوی از نور قرآن، قدیانی، تهران.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۲، المیزان فی تفسیر القرآن، مرکز نشر فرهنگی رجاء، امیر کبیر، بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی، قم.
۱۶. طبرسی، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ناصر خسرو، تهران.
۱۷. طیب، ۱۳۷۸، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه جهانی سبطين، بی جا.
۱۸. علی پور، فاطمه، ۱۳۹۵، «نقش سازمان های دولتی و سازمان های مردم نهاد در تربیت دینی»، همایش ملی یافته های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۵ق، الصافی، مکتبه الصدر، تهران.
۲۰. قرشی، ۱۳۷۷، احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران.

۲۱. کلینی، ۱۴۰۷ق، کافی، دار الثقلین، بی جا.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۹، ترجمه قرآن کریم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع)، قم.
۲۳. مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۶، کتاب دین و سبک زندگی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
۲۴. میرزا، بیتا؛ گلجانی، ایرج، ۱۳۹۲، «آسیب شناسی دینداری از منظر قرآن کریم»، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).

منابع رایانه‌ای

۱. بنیاد علوم و معارف اسلامی، سایت تدبر، ۱۴۰۱، <http://tadabbor.org>.
۲. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۴۰۱، <https://hawzah.net/fa/Magazine>.
۳. نرم افزار جامع التفاسیر، مؤسسه تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۴. نرم افزار جامع الاحادیث، مؤسسه تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.